

مطالعه مقایسه‌ای ماهیت‌شناسی دولت شورایی و کارویژه آن در هندسه معرفت سیاسی شهید صدر و میرزای نائینی (رحمه الله علیهما)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲

عبدالمطلب عبدالله^۱

مجید بیگی^۲

چکیده

تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت از جمله مباحث مبنایی و بنیادین فقه سیاسی می‌باشد که میرزای نائینی و شهید صدر به دنبال تبیین مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت به ترسیم ماهیت و شکل خاصی از حکومت اسلامی در قالب دولت شورایی رسیده‌اند. این مقاله با روش پژوهش مقایسه‌ای به‌گونه گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها به تحلیل و بررسی اندیشه و اسناد جمع‌آوری شده از آثار میرزای نائینی و شهید صدر پرداخته است و در فهم اندیشه سیاسی این دو متفکر اسلامی از ایده نظری هرمنوتیک اسکینر الگوبرداری کرده است. یافته‌های تحقیق بر چند نکته تأکید دارد؛ بر خلاف تصور اولیه و مشهور از یکسان‌انگاری دولت شورایی در اندیشه نائینی و صدر، این دو نظریه از همدیگر متفاوت می‌باشند. در هندسه معرفت سیاسی میرزای نائینی، حاکمیت حقی الهی است و تعلق به مردم ندارد بلکه شورویت حق مردم

۱. دانشیار معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) Abdollah@atu.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی Majidbigy@gmail.com

است که بر اساس اصل شورا، مردم حق شور با حاکم را دارا می‌شوند اما در اندیشه شهید صدر حاکمیت حق مردم است لذا شورا اصلی است برای تحقق آفرینی حق حاکمیت همگانی مردم. تفاوت ماهوی دولت شورایی موجب شکل‌گیری کارویژه‌های متفاوت برای اصل شورا در فقه امامیه می‌گردد و سبب ظهور رویکردی جدید در بررسی امر سیاسی از منظر فقه سیاسی امامیه می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** دولت شورایی، تحدید سلطنت، خلافت عمومی انسان، میرزای نائینی، شهید صدر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مساله

تاسیس حکومت اسلامی در دوره غیبت با چالش‌های مختلف نظری و علمی مواجه بوده است. ضرورت تاسیس حکومت اسلامی، امکان شکل‌گیری، مشروعیت و ماهیت حکومت اسلامی از جمله مباحث مبنایی و بنیادین فقه سیاسی می‌باشد که فقیهان امامیه بویژه در دوره معاصر در مورد آن به بحث و بررسی‌های متعدد و مهمی پرداخته‌اند. تحولات سیاسی - اجتماعی دوره معاصر در یک قرن اخیر در شکل‌گیری این اندیشه‌ها بسیار موثر و تأثیر گذار بوده است. از جمله فقهای صاحب نظر در این عرصه، صاحب رساله فقهی - سیاسی «تنبيه الامه و تنزیه المله» میرزای نائینی می‌باشد که تحولات نهضت مشروطه در شکل‌گیری و باروری آن نقش بسزایی ایفا نموده است. اندیشمند دیگری که متأثر از آزادی‌خواهی مردم مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی به تحلیل‌های فلسفی و فقهی - سیاسی پرداخت، محمدباقر صدر می‌باشد. انقلاب مشروطه ایران که به دنبال تحدید سلطنت شاه قاجاری، خواستار تأسیس و شکل‌گیری مجلس شورای ملی بود؛ از جانب طیفی از فقهای حوزه علمیه نجف چون آخوند خراسانی مورد حمایت قرار گرفت. میرزا محمدحسین غروی نائینی که یکی از شاگردان نزدیک آخوند خراسانی بود به دنبال حمایت‌های استاد خویش از مشروطه‌خواهی مردم ایران، در پی تئوریزه کردن فقهی، انقلاب مشروطه برآمد. رساله «تنبيه الامه و تنزیه المله» حاصل این تفقه سیاسی میرزا می‌باشد که در آن از منظر فقه سیاسی، حکومت اسلامی مطلوب شارع را در قالب دولت شورایی معرفی کرد. همچنین محمدباقر صدر که در آستانه انقلاب اسلامی مردم ایران به دنبال ترسیم نظام سیاسی اسلام تئوری‌های مختلف فقهی را مورد بحث و بررسی قرار داد او نیز بعد از طراحی نظریه حکومت شورایی و نظریه ولایت مرجع صالح و رشید به نظریه حکومت ترکیبی حکومت شورایی امت به همراه نظارت و گواهی مرجع فقیه رسید. طراحی دولت شورایی در

اندیشه شهید صدر در حالی است که وی متأثر از انقلاب اسلامی در نفی نظام سلطنتی بود ولی میرزای نائینی متأثر از انقلاب مشروطه در تحدید نظام سلطنتی است. بدیهی است که این دو رویکرد می‌تواند آثار متفاوتی داشته باشد. از این رو پرسش بنیادینی در ماهیت‌شناسی دولت شورایی در اندیشه میرزا نائینی و شهید صدر بدین صورت مطرح می‌گردد که آیا دولت شورایی مطرح در اندیشه شهید صدر با دولت شورایی مطرح در اندیشه میرزای نائینی تفاوت و تغایر ماهوی دارد؟ اهمیت این مساله خود را در آنجا نشان می‌دهد که تفاوت دو نظریه اگر در حیث ماهوی و نه شکلی باشد موجب شکل‌گیری رویکردی جدید در بررسی امر سیاسی از منظر فقه سیاسی امامیه می‌گردد. بر اساس این رویکرد گزاره‌های سیاسی فقه امامیه مانند اصل شورا در رویکردی غیر از رویکرد سنتی می‌تواند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

این مقاله با روش پژوهش مقایسه‌ای با گردآوری کتابخانه‌ای، اندیشه و اسناد و داده‌های جمع‌آوری شده از آثار میرزای نائینی و شهید صدر را مورد تحقیق قرار داده و در فهم اندیشه سیاسی این دو متفکر اسلامی از ایده نظری هرمنوتیک اسکینر الگوبرداری کرده است.

چهارچوب روشی

مفاهیم

دولت

معنای مورد نظر ما در این نوشتار از دولت نه به معنای کابینه وزرا یا همان هیئت دولت می‌باشد بلکه در معنای اعم، دولت به معنای مجموعه کارگزاران حکومتی، نهادهای اجرایی، حقوقی، قضایی که به منظور بکار بردن قدرت، وظیفه حکمرانی بر مردمی معین در چارچوب قانون و سرزمینی مشخص را بر عهده دارد (هیوود، ۱۳۹۲: ۱۲۹ - ۱۳۱؛ آشوری ۱۳۹۱: ۱۶۱؛ عالم، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دولت‌ها را از منظرهای گوناگونی چون اهداف، کارکرد، نقش، منشا مشروعیت، حق حاکمیت و نحوه اعمال حاکمیت می‌توان تقسیم‌بندی کرد. این مقاله در راستای اتخاذ چارچوب نظری از سه نظر منشا مشروعیت، حق حاکمیت و اعمال قدرت به واکاری مساله می‌پردازد.

ماهیت دولت

از آنجا که در ماهیت‌شناسی هر چیزی، شناخت ذاتی آن پدیده مورد نظر است بدین جهت در راستای ماهیت‌شناسی دولت با در نظر گرفتن این مساله که در تمامی تعاریف مدرن از دولت به چهار عنصر ذاتی توجه شده است که عبارتند از: مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت (عبدالرحمان عالم، ۱۳۹۰: ۱۳۹). بر اساس حق حاکمیت که از ذاتیات و مقومات هر حکومتی محسوب می‌شود دولت‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: الف - دولت‌هایی که در آن حاکمیت، حق همگانی مردم می‌باشد؛ ب - دولت‌هایی که در آن مردم از حق حاکمیت برخوردار نمی‌باشند.

اصل شورا

اصل شور و مشورت، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه سیاسی اسلام دارد. قرآن بطور مستقل در دو آیه به این مساله پرداخته است. عبارت‌های «شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) سندهای قرآنی این اصل می‌باشند. طبق این اصل، شور یکی از حقوق اساسی هر مسلمان در تشکیل جامعه و حکومت اسلامی می‌باشد (طباطبائی ۱۴۰۲، ۱۸: ۶۴). بدین جهت بسیاری از متفکران اسلامی در تبیین نظام سیاسی اسلامی به جایگاه آن توجه ویژه داشته‌اند. مطابق این اصل، میرزای نائینی و شهید صدر به طرح‌ریزی دولت شورایی پرداخته و اندیشه سیاسی خود را برای دولت مشروع اسلامی در عصر غیبت مطرح کرده‌اند.

روش‌شناسی

هرمنوتیک اسکینر

اسکینر، استاد تاریخ اندیشه‌های سیاسی مدرن دانشگاه کمبریج است که در سال‌های اخیر، پژوهش‌های وی در زمینه متدلوژی ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. از نظر اسکینر فهم جملات و عبارات یک متن بدون دستیابی به نیت و انگیزه‌های نویسنده و جدا از زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری آن و نیز جدا از زمینه کلی زبانی و فکری حاکم بر دوره نگارش آن هرگز فهمی صحیح و کامل نخواهد بود لذا فهم معنای متن مستلزم زمینه‌ای است که در آن یک نویسنده در حال نوشتن متن بوده است و علاوه بر آن باید قصد مؤلف را در حال نوشتن آن متن نیز یافت. اسکینر معتقد است با قرار دادن متن در زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری آن و با ایجاد رابطه میان اندیشه‌های سیاسی با زمینه‌های ایدئولوژیک و عملی آن دوران و زمینه‌های زبانی حاکم بر عصر نگارش متن، فهم یک اندیشه بدست می‌آید (اسکینر، ۱۳۷۵: ۳۸؛ جیمز تولی - غلامرضا بهروزی لک، ۱۳۸۳). در این تحقیق تلاش شده است با الگوبرداری از روش اسکینر میان متن و انگیزه‌های نویسندگان (شهید صدر و میرزای نائینی) و زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری و زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی حاکم بر عصر نگارش متن، رابطه برقرار گردد. بدین جهت در فهم هندسه معرفت سیاسی آنها تلاش شده به ترتیب زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی حاکم در عصر و اندیشه میرزای نائینی و شهید صدر و همچنین زمینه‌های اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری اندیشه سیاسی آنها ارتباط ایجاد شود آنگاه متن‌های اصلی مبین اندیشه سیاسی مورد تحلیل قرار گیرد.

روش مقایسه‌ای

مقایسه میان برخی واحدهای تحلیل در تمامی علوم به خصوص علوم اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. برای فهم فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی و مسائل تاریخی گوناگون بکار می‌رود. بطور کلی پژوهشی که میان واحدهای تحلیل مورد نظر، مقایسه به عمل می‌آورد پژوهش مقایسه‌ای خوانده می‌شود (ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱). در پژوهش مقایسه‌ای، نوعی تمرکز پژوهش بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان واحدهاست که مقایسه برای فهم و درک موضوع اصلی جنبه اساسی دارد (رجب زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۳؛ ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱). در این مقاله تلاش شده با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل به مطالعه متغیر وابسته اقدام شود و با بررسی تطبیقی متغیرهای مستقل در فرآیند یک پژوهش، وجوه افتراق و اشتراک و نقاط ضعف و قوت متغیر وابسته تحلیل و بررسی شود. از قدیمی‌ترین نمونه‌های این روش را می‌توان در کتاب نظام منطق^۱ جان استوارت میل مشاهده کرد که در آن از دو روش مختلف توافق و تفاوت سخن می‌گوید. در روش تفاوت، پژوهشگر نشان می‌دهد که چگونه با وجود تفاوت‌ها در واحدهای مختلف تحلیل، عوامل علی یکسانی وجود دارد که تاثیر آنها برآیند مشابهی در موارد گوناگون می‌گذارد و در روش تفاوت، میل نشان می‌دهد که چگونه دو مورد مشابه به علت وجود متغیری علی در یکی و فقدان آن در دیگری به دو مسیر مختلف سوق داده می‌شود (دورکیم، ۱۳۷۳: ۱۳۹؛ طالبان، ۱۳۸۸: ۶۵).

تحلیل و بررسی هندسه معرفت سیاسی میرزای نائینی و شهید صدر

جهت بررسی ماهیت‌شناسی دولت شورایی ابتدا به ترسیم هندسه معرفت

سیاسی این دو اندیشمند پرداخت می‌شود.

تحلیل و بررسی هندسه معرفت سیاسی میرزای نائینی

در راستای تحلیل اندیشه سیاسی میرزای نائینی با در نظر گرفتن متن اصلی روایت‌گر (رساله تنبیه الامه و تنزیه المله) اندیشه سیاسی وی، بایسته است زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری و زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی حاکم بر عصر نگارش متن مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد بدین جهت در دو محور کلی که هریک شامل چند مولفه و محور جزئی می‌باشد به این مهم اقدام می‌شود.

زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی حاکم در عصر و اندیشه نائینی

میرزای نائینی قبل از تألیف رساله تنبیه الامه و تنزیه المله در یکی از مهم‌ترین آثار فقهی خود به تحلیل و بررسی چگونگی امکان تأسیس حکومت اسلامی و مبانی مشروعیت آن در عصر غیبت می‌پردازد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۳). بر این اساس، وی مناصب حاکم معصوم اسلامی را در سه قسم دسته‌بندی می‌نماید. منصب تبلیغ، منصب ولایت (سرپرستی جامعه) و منصب قضا (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۳). نائینی چنین ادامه می‌دهد که هر یک از این مناصب وظایفی دارند که غیر از وظایف دیگری است. وظایف منصب «والی» عبارتند از: امور مربوط به اداره مملکت، سیاست و جمع‌آوری مالیات و زکات و صرف آنها در امور مربوط به مصالح مسلمین و نیز تجهیز لشکر و ادای حقوق و دستمزد عاملین و کارگزاران جامعه و هر چیزی که وظیفه سلطان در یک جامعه محسوب می‌شود از جمله وظایف والی به حساب می‌آید، حتی نصب قاضی نیز از جمله وظایف والی می‌باشد.

اما وظایف «قاضی» عبارت است از پایان بخشیدن به خصومات، نزاع‌ها و حبس و بازداشت کسی که به ادای حق نمی‌پردازد و نیز تقسیم و فروش اموال

بدهکاری که از ادای دین خود امتناع می‌نماید و اموری شبیه این موارد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۴).

نائینی بعد از تبیین این امور بیان می‌کند اموری وجود دارد که در تعلق آنها به مناصب قضاوت یا ولایت، بین متخصصین اختلاف و شک وجود دارد. مانند تصرف در اموال یتیم یا مجانین یا حفظ اموال غائبین و غیر از آنها که از امور حسبیه محسوب می‌گردد. از اموری که در متعلق آنها شک وجود دارد که آیا از جمله وظایف منصب ولایت است یا از جمله وظایف منصب قضا (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۴).

نائینی بیان می‌دارد اگر اثبات گردد که فقیه ولایت عامه دارد، همه امور سه‌گانه از جمله وظایف مخصوص والی، وظایف مخصوص قاضی و وظایف مشکوکه، مربوط به فقیه می‌گردد و تصرف در همه موارد برای وی جایز، نافذ و مشروع می‌شود (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۵). اما اگر ثابت شود که فقیه علاوه بر منصب تبلیغ فقط در حیطه قضا ولایت دارد تنها در امور مربوط به قضا تصرف وی جایز است و در ما بقی امور، اجازه و اذن تصرف ندارد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۵).

با وجود آنکه نائینی انتقال ولایت عامه از حاکم معصوم را به نایب وی از نظر عقلی امری ممکن می‌داند (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۴) اما به سبب زمینه‌های نگارشی و زبانی حاکم در حوزه نجف که از میراث شیخ انصاری محسوب می‌شود دلالت عموم ادله مثبت ولایت فقیه را که طیفی از فقها به آن استناد نموده‌اند ادله‌ای مخدوش و غیرواضح می‌شمارد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۳). وی روایت‌هایی چون «العلماء ورثة الأنبياء» و «العلماء أئمة الرسل» و «علماء أمتی کأنبياء بنی اسرائیل» و «اولی الناس بالأنبياء أعلمهم بما جائوا به» و «اللهم ارحم خلفائی» (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۵) «مجارى الأمور بيد العلماء الامناء لله فى

حلاله و حرامه» و «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة أحاديثنا فإنهم حجتى عليكم و انا حجة الله»^۱ (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۷) و صحیحہ ابی خدیجہ^۲، همگی را قاصر از اثبات ولایت عامه فقیه دانسته (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۴ - ۳۳۵) و معتقد است که این روایات منصبی فراتر از تبلیغ احکام برای فقیه اثبات نمی‌کند. لذا بر اساس این منصب مردم موظف هستند نسبت به گفتار و احکام فقها به عنوان فتوا از آنها متابعت نمایند (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۶).

میرزای نائینی از میان تمامی اخبار و روایات دال بر ولایت عامه فقیه، تنها روایت عمر بن حنظله^۳ را از نظر دلالتی، غیرقابل خدشه می‌داند (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۶). با توجه به اینکه این روایت نیز از نظر سندی صحیح نمی‌باشد اما چون عموم فقهای عصر وی آن را صحیح تلقی کرده بودند آن را به عنوان مقبوله می‌پذیرد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۶) در واقع زمینه‌های زبانی و نگارشی حاکم در عصر میرزا در این راستا به تحکیم اندیشه وی به پذیرش روایت عمر بن حنظله مضاعفت می‌کند.

۱. جهت منابع و اسناد روایی این حدیث رک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۴۰؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹، ۳: ۱۱۱۴؛ طبرسی، احمد بن علی ۱۴۰۳، ۲: ۴۷۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۲: ۵۳۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲: ۴۸۴؛ طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱: ۲۹۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷، ۲: ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲: ۹۰).
۲. رک: عن ابی خدیجۃ قال: بعثنی أبو عبد الله ع إلى أصحابنا فقال قل لهم إياكم إذا وقعت بينكم خصومة أو تدارى بينكم في شيء من الأخذ والعطاء أن تتحاكموا إلى أخد من هؤلاء الفساق اجعلوا بينكم رجلاً ممن قد عرف حالنا و حرامنا فإني قد جعلته قاضياً و إياكم أن يخاصم بعضكم بعضاً إلى السلطان الجائر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۳۹؛ طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷، ۳۰۳۶).
۳. عن عمر بن حنظله قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجلين من أصحابنا بينهما منازعة في دين أو ميراث فتحاكما إلى السلطان و إلى القضاة أيجل ذلك قال من تحاكم إليهم في حق أو باطل فإنما تحاكم إلى الطاغوت و ما يخكم له فإنما يأخذ سخناً و إن كان حقاً فإبنا له لأنه أخذ به حكم الطاغوت و ما أمر الله أن يكفر به قال الله تعالى يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت و قد أمروا أن يكفروا به^۳. قلت فكيف يصنعان قال ينظران من كان منكم ممن قد روى حديثنا و نظر في حالنا و حرامنا و عرف أحكامنا فليرضوا به حكماً فإني قد جعلته عليكم حاكماً فإذا حكم بحكمنا فلم يقبل منه فإنما استخف بحكم الله و علينا ردة و الرأفة علينا الرأفة على الله و هو على حد الشرك بالله الحديث (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۶۷؛ طوسی، محمد بن الحسن ۱۴۰۷، ۲: ۳۵۶؛ طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۵۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳: ۵۴۰؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۳: ۱۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷: ۱۲۷).

بدین جهت نائینی بحث را در قالب دو احتمال به پیش برده و در هر دو فرض به تبیین وظایف فقیه می‌پردازد (نائینی ۱۴۱۳، ۲: ۳۳۷ - ۳۳۸)، میرزا بیان می‌کند اگر ولایت عامه برای فقیه ثابت باشد در این صورت همه وظایف بر عهده وی است اما در صورت عدم اثبات ولایت عامه برای فقیه تنها عهده‌دار مناصب قضا و تبلیغ است (نائینی، ۱۴۱۳، ۲: ۳۳۸).

بدیهی است مطابق ایدئولوژی حاکم در عصر و اندیشه نائینی که وجود حکومت اسلامی در عصر غیبت را از ضروریات می‌داند لذا نائینی بلافاصله در اینجا بیان می‌کند که در صورت عدم ثبوت ولایت عامه برای فقیه، امور و شئون و وظایف مربوط به والی به دو دسته تقسیم می‌گردد اول؛ آن دسته اموری که صرفاً به جهت آنکه از جانب شآن والی صادر می‌شود مطلوب است لذا این امور به هیچ وجه در شآن کس دیگر نمی‌باشد و دوم؛ آن دسته اموری که مطلوبیت در خود آنها است اگرچه این امور از وظایف والی می‌باشد اما محرز و مسلم است که شارع مقدس راضی به اهمال و ترک این امور نیست. مانند لزوم پیشگیری از اختلال نظام یا ظهور عسر و حرج در نظام اجتماعی، حفظ اموال غایبین و قاصرین و امور دیگری که از آنها به امور حسبه تعبیر می‌گردد (نائینی، ۱۴۱۳، ۲: ۳۳۸).

نائینی بر این باور است اگر ولایت عامه برای فقیه ثابت نشود از جهت آنکه شارع مقدس راضی به اهمال و ترک این دسته از امور نیست، بدین جهت بطور قدر متیقن برای فقیه، لازم و واجب است که این امور را عهده‌دار گردد (نائینی، ۱۴۱۳، ۲: ۳۳۸).

توجه عمده نائینی در مباحث مربوط به مشروطه به ولایت فقیه در امور حسبه و همچنین فرع دانستن حاکمیت فقیه بر امر قضا می‌تواند قراینی باشد که نائینی تاسیس حکومت اسلامی را بطور محکم به ولایت عامه فقیه مبتنی نمی‌نماید. بلکه مدار اندیشه خود را در فرض عدم ثبوت ولایت عامه بر محور امور حسبه قرار می‌دهد و با تبیین ضرورت عهده‌داری امور حسبه، فقیه را موظف به

تاسیس حکومت اسلامی می‌داند.

زمینه‌های اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری اندیشه سیاسی نائینی

میرزای نائینی یکی از فقهای عصر مشروطه که به عنوان منشی در بیت آخوند مقرر مباحث آخوند خراسانی می‌باشد و از نزدیک در جریان نهضت مشروطه قرار می‌گیرد. نهضت مشروطه که از پس جریان شعار عدالت‌خواهی و استبدادستیزی علما و مردم تهران شروع شده و بعد از مهاجرت کبری، عنوان «مشروطه» جایگزین «عدالت‌خانه» می‌شود.

اصطلاح نظام مشروطه که از لغت "Constutional Government" به شکل حکومت مشروطه به فارسی ترجمه شده و در میان اقشار مختلف جامعه رواج پیدا کرده، قرائتی از حکومت مشروطه بریتانیایی بود که به سبب تدوین قانون، موجب محدودیت قدرت سلطان می‌شد. در اندیشه سیاسی شیعه به سبب ظهور حکومت صفویه، گفتمان سلطنت مآذونه جهت مشروعیت بخشی به تنها حکومت شیعی از طرف فقهای امامیه طراحی و مورد اجرا قرار گرفت (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۱۸). در این گفتمان جهت مشروعیت بخشی به حکومت سلاطین صفوی، سلطان به حکم مجتهد جامع الشرایط تنفیذ گشته و حکومت او مشروعیت پیدا می‌کرد (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۱۸). با توجه به آن که پس از گذشت مدتی از طراحی این گفتمان توسط محقق کرکی و شاه طهماسب صفوی در بسیاری از موارد این نوع محدودسازی، حکومت مطلقه سلطان عملاً شکل صوری گرفته و لذا استبداد شاهی روزه‌روز تقویت می‌شد. در پی چاره‌جویی برای مهار قدرت مطلق العنان سلطان، در نهضت مشروطه، گفتمان جدیدی با مبانی تحدید سلطنت، جایگزین گفتمان سلطنت مآذونه شد. آخوند خراسانی به عنوان طراح این نظریه، به دفاع از نهضت مشروطه پرداخت (کفایی، ۱۳۵۹: ۳۰).

میرزای نائینی به عنوان منشی آخوند، به دنبال تئوریزه‌سازی حکومت مشروطه

برآمد و رساله «تنبيه الامه و تنزیه المله» را جهت تبیین مبانی نظام مشروطه در جامعه اسلامی نوشت. در این گفتمان، با قانونگذاری از طرف مجلس شورا، حکومت سلطان مشروط به قانون گشته لذا حکومت وی تحدید می‌شود. بر این اساس، نائینی در شرایطی که حکومت مستبد قاجاریه در جامعه حاکم می‌باشد و امکان از بین بردن و اسقاط آن نیز وجود ندارد (نائینی، ۱۴۲۴: ۷۷)، با طراحی مبانی متعددی به دنبال تحدید سلطنت موجود می‌رود. در واقع پیش‌فرض ذهنی نائینی که به سبب شرایط زمانه وی به وجود آمده بود او را بر آن ساخت که مجلس شورا ماهیت ویژه‌ای در هندسه معرفت سیاسی او پیدا کند. نائینی سلطان قاجار را از سه جهت غاصب معرفی می‌کند؛ غاصب حق کبریایی خداوند و ظلم به ساحت اقدس احدیت وی، غاصب مقام ولایت معصوم (ع) و ظلم به ساحت مقدس امامت و غاصب حق آزادی و اختیار بندگان و عباد و ظلم به آنها. بدین جهت معتقد است با تشکیل مجلس شورا، سلطنت مطلق سلطان تحدید می‌گردد و غصب اول و سوم زایل شده و تنها غصب مقام امامت که سلطان در مقام اجرای قانون عهده‌دار آن است باقی می‌ماند (نائینی، ۱۴۲۴: ۷۷). در اندیشه نائینی چنین شرایطی بهتر و مطلوب‌تر از سلطنت جائز و مستبده است که در آن سه غصب صورت می‌گیرد (نائینی، ۱۴۲۴: ۷۷). بر این اساس نائینی استدلالی بدین‌صورت تشکیل می‌دهد که رفع و برطرف نمودن غصب و ظلم به هر اندازه واجب است. مجلس شورا غصب سه‌گانه را به غصب در یک جهت تقلیل می‌دهد بنابراین تشکیل مجلس شورا به عنوان مقدمه نه تنها جایز بلکه واجب است (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۰۸).

ماهیت‌شناسی دولت شورایی در هندسه معرفت سیاسی میرزای نائینی

نائینی پس از اثبات ضرورت تشکیل حکومت برای فقیه، بنا بر چند دلیل تصدی حکومت به صورت مستقیم بدست شخص مجتهد را لازم نمی‌شمارد. به نظر می‌رسد، نائینی به سبب گفتمان سیاسی- اجتماعی مشروطه در حوزه نجف

و به سبب عواملی چون عدم حضور فقیه در عینیت جامعه، خوف از ناکارآمدی حکومت مستقیم فقیه دارد (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۳). بدین رو نائینی اداره حکومت توسط شخص فقیه را لازم نمی‌داند. لذا معتقد است اداره حکومت بدست فقیه مطلوب نمی‌باشد (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۳).

نظریه نظارت بر عملکرد فقیه نیز نائینی را برای تصدی‌گری مستقیم حکومت توسط شخص فقیه، قانع نمی‌سازد. وی نظارت و کنترل عملکرد فقیه را ناممکن می‌داند. وی همچنین در این باره می‌نویسد: «نه اصل گماشتن نظارتی برای فقها در عصر غیبت ممکن است و نه به فرض گماشتن جز اهانت نتیجه و اثر دیگری محتمل» (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۳ و ۱۳۴). از دیگر سو، شرایط زمانه نائینی مزید بر این امر است که امکان تشکیل و تاسیس حکومت اسلامی برای فقیه را غیرممکن می‌سازد. بر این اساس نائینی تنهاترین چاره را در شکل اصلاح نظام سیاسی موجود مقدور می‌داند و بدنبال تحدید سطنت و تقلیل غصب و ظلم می‌باشد. بدین جهت است که نائینی برای حل این مشکل تشکیل مجلس شورا را پیشنهاد می‌کند. در واقع نائینی با اثبات اسلامی بودن اصل شوریوت (شورا و مشورت در اسلام) مطلوب‌ترین شکل حکومت در عصر غیبت را پارلمانی مشروعه بیان می‌نماید (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۱۳). بدین صورت که نمایندگان یا در واقع کیلانی از طرف مردم راهی مجلس شورا می‌گردند و آن نمایندگان با وضع قانون، حکومت سلطان را تحدید می‌نمایند.

مساله دیگری که در شکل‌گیری هندسه نظام سیاسی مد نظر نائینی دخیل است، تعارض جایگاه قانونگذاری و مقام افتاء مرجعیت بود. در واقع پرسش اصلی مساله آن بود، «با وجود احکام شرعی، قانون در جامعه اسلامی چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟» این مساله بر این مبنای فقهی بر می‌گردد، «با توجه به اینکه در شریعت اسلام هیچ مساله‌ای فارغ و خالی از حکم شرعی نیست آیا قانونگذاری مخالف با شریعت نمی‌باشد؟». میرزای نائینی برای حل این مشکل موضوعات احکام جامعه اسلامی را به دو بخش منصوص و غیرمنصوص تقسیم

می‌نماید. وی در نحوه و چرایی این تقسیم‌بندی می‌نویسد: «بدان که، مجموعه وظایف راجع به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت، ... خارج از دو قسم نخواهد بود؛ چه بالضرورة یا منصوصاتی است که وظیفه عملیّه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است و یا غیر منصوصی است که وظیفه عملیّه آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاصّ و میزان مخصوص غیر معین و به نظر و ترجیح ولیّ نوعی موکول است» (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۴). بر این مبنا، احکام منصوص از طرف شارع مقدس تشریح شده و بصورت معین و وظیفه عملیه عباد را مشخص کرده است اما حکم غیرمنصوص وظیفه عباد را مشخص نکرده و موکول به نظر و رأی، ولیّ امر می‌باشد.

نائینی معتقد است قسم اول از احکام که آنها را احکام اولیه می‌نامد، ثابت است و به اختلاف زمان و مکان غیر متغیر می‌باشد؛ «قسم اول نه به اختلاف اعصار و امصار قابل تغییر و اختلاف و نه جز تعبد به منصوص شرعی الی قیام الساعه وظیفه و رفتاری در آن متصور تواند بود» (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۲). نائینی از احکام غیرمنصوص با عنوان احکام ثانویه یاد می‌کند که وضع آنها توسط حاکم اسلامی انجام می‌گردد و تابع مصالحی می‌باشد که حاکم اسلامی بر اساس مقتضیات زمان و مکان تشخیص می‌دهد. وی این دیدگاه خود را اینگونه به نگارش در می‌آورد: «قسم ثانی تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار و به اختلاف آن قابل اختلاف و تغییر است» (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۳).

نائینی بعد از تقسیم احکام به منصوص و غیرمنصوص یا همان اولیه و ثانویه بیان می‌کند که قانونگذاری فقط در دامنه احکام ثانویه یا همان دامنه غیرمنصوص صورت می‌گیرد و به هیچ وجه قانونگذاری مشمول دامنه احکام منصوص نمی‌باشد (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۵). چرا که در این صورت بدعت و دکان باز کردن در مقابل شرع مقدس است (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۵). نائینی با این مبنا تقابل قانونگذاری مجلس شورا با دستگاه نبوت و شرع مقدس را حل می‌کند. اما در راستای تقابل این مساله با مرجعیت بدان جهت که وی قانون‌گذاری

توسط غیر مجتهدین شرع و اجرایی نمودن آنها بدست غیر مجتهد «نافذالحکومه» را امری نامشروع می‌داند، حل این مشکل را در مآذون بودن مجلس مشورتی از جانب *عمن له ولایه الاذن* چاره‌جویی می‌کند. لذا در اندیشه نائینی، مجلس نمایندگان که با شرایط ویژه‌ای از جانب مردم برای نظارت و اجرای قوانین و کیل می‌باشند می‌توانند با نظارت از جانب مجتهد نافذالحکومه اقدام به قانونگذاری نمایند (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۳۴).

بر این اساس بوضوح چنین بدست می‌آید که دولت شورایی در هندسه معرفت سیاسی میرزای نائینی ماهیتی بالعرض دارد. بدین صورت که اساس نظام سیاسی در اندیشه میرزا، تاسیس حکومت اسلامی بدست فقیه می‌باشد. از آنجا که وی آن را به دلایلی چون سلطنت مستبده قاجاری حاکم در کشور و عدم امکان انتزاع آن (نائینی، ۱۴۲۴: ۶۸)، عدم عصمت فقیه (نائینی، ۱۴۲۴: ۴۶) و عدم امکان گماشتن ناظر بر حاکم فقیه؛ شکل‌گیری حکومت اسلامی بدست فقیه را غیر ممکن می‌داند، بدین جهت وی بر اساس اصل «ما لا یدرک کله لایترک کله» (نائینی، ۱۴۲۴: ۶۳)، چاره را در تحدید سلطنت غاصبانه با تشکیل مجلس شورا می‌بیند که برخوردار از دو کارویژه اصلی، قانونگذاری در دامنه غیر منصوص و تدوین نظامنامه و مشروط و مقید کردن حکومت سلطان به مشی در چهارچوب نظامنامه و قوانین مصوب مجلس شورا (نائینی، ۱۴۲۴: ۴۸) و قرار گرفتن حاکم تحت نظارت مجلس شورا است (نائینی، ۱۴۲۴: ۴۸ - ۴۹).

نائینی نظارت را نیز به دو بخش تقسیم می‌کند: الف - نظارت شرعی که توسط مجتهدین انجام می‌شود و ب - نظارت بر اجرا از باب امر به معروف و نهی از منکر که توسط مجلس شورا صورت می‌گیرد (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۶۷ و ۴۹).

مباحث و مسائل مربوط به امورات نوعیه در اندیشه میرزا نائینی باید با مشورت حاکم با مردم و شورای عمومی یا عقلای امت صورت بگیرد، در اینجا نیز شورا ماهیت مشورتی و ارائه نظر و پیشنهاد ملزمه یا غیرملزمه دارد (نائینی، ۱۴۲۴: ۸۴). دولت شورایی مورد نظر میرزای نائینی، علاوه بر کارویژه قانونگذاری و

تدوین نظامنامه، به ارائه مشورت و پیشنهادات در امور نوعیه به حاکم می‌پردازد و بر اساس اصل امر به معروف به نمایندگی از آحاد ملت به نظارت در امور اجرایی می‌پردازد.

تحلیل و بررسی هندسه معرفت سیاسی شهید صدر

۲-۲-۱ زمینه‌های ایدئولوژیک و شکل‌گیری تاریخی اندیشه سیاسی شهید صدر

شهید صدر (ره) مانند تمامی فقهای شیعه در تبیین نوع حکومت، اصل را در نوع الهی آن می‌بیند که در اندیشه وی اصلی کلی، ثابت و لایتغیر است (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۲۴). نوع الهی حکومت که با نصب ائمه معصومین در اندیشه سیاسی شیعه تحقق می‌یابد با تعبیر اصل امامت منصوص یا امامت بالاصالة از آن یاد می‌شود (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۵۴ و همو، ۱۴۲۳ (ب): ۲۵۸) شهید صدر با وجود اعتقاد به اصل امامت منصوص بر این باور است در عصر غیبت معصوم، ماهیت حکومت تغییر می‌یابد چرا که عصر غیبت عصر فقدان تحقق امامت منصوص می‌باشد (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۵۹).

باید توجه داشت که در لابه‌لای مباحث و کلمات شهید صدر درباره حکومت در عصر غیبت سه نظریه مشاهده می‌شود:

الف - نظریه حکومت شورایی که آن را در مباحث الحکم الشوری أو حکم الامّة مطرح کرده است (صدر، (ب) ۱۴۲۳، مبحث الحکم الشوری أو حکم الامّة ص ۲۵۷).

ب - نظریه ولایت مرجع (صالح و رشید) که آن را در مباحث فقهی «الفتاوی الواضحة» بیان داشته است (صدر، ۱۴۲۳ (الف): ۱۲۶).

پ - نظریه حکومت ترکیبی (حکومت شورایی امت به همراه نظارت و گواهی مرجع فقیه)؛ این نظر را در مجموعه «الاسلام يقود الحياة» ارائه نموده است. نظریه حکومت ترکیبی را شهید صدر در سال‌های پایانی عمر خود مطرح نموده

است (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۵۹).

به سبب وجود این سه نظریه، برخی بر آن شده‌اند که نظریه شهید صدر مبنی بر ماهیت حکومت مطلوب در اندیشه وی در طول زمان تغییر یافته است (حکیم، ۱۴۰۸: ۲-۱) لذا بر طبق این مبنا حکومت شورایی را مطرح می‌کند (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۰-۱۶۲، جمشیدی، ۱۳۷۷: ۲۳۱).

مشخص است که بر اساس این مبنا فقیه بر مقام ولایت بر جامعه منصوب نشده لذا ولایت او مقید بر قضا و افتا و نظارت بر اجرای احکام شرعی می‌گردد. شهید صدر در الفتاوی الواضحه که مباحث فقهی ایشان است از اختیارات مرجع یا ولایت مرجع به صورت کلی و عام سخن می‌گوید. برخی بر آن شده‌اند که در اندیشه شهید صدر تبدل ایجاد شده و او به ولایت مطلقه فقیه رسیده است (نعمانی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۸). این گروه شاهد آن را وثاقت توقیع شریف در نزد وی می‌داند (نعمانی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۸). باید توجه داشت شهید صدر در این جا نیز به‌رغم مطرح کردن مساله ولایت مرجع از حدود و میزان اختیارات حکومتی و سایر ویژگی‌های آن سخن نمی‌گوید و فقط می‌نویسد: «مرجع عام دارای ولایت است» اما بیان نمی‌کند که این حدود و میزان در چه ابعادی و چگونه است. این ابهام با مراجعه به دیگر آثار وی براحتی برطرف می‌شود. شهید (ره) که در «الاسلام یقود الحیاء» به صراحت حکومت مورد نظر خود را بیان می‌دارد به جنبه ترکیبی حکومت شورایی امت به همراه نظارت و مراقبت شرعی مرجع عام توجه دارد (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۱).

باید توجه کرد این نظریه، هم قابل انطباق با نظریه حکومت شورایی است و هم قابل انطباق با نظریه ولایت مرجع است. شهید صدر در این اثر برای اثبات نظارت مرجع بر حکومت، با مبنا قرار دادن ولایت فقیه بر امر قضا و تبلیغ و حفظ دین به توقیع شریف استناد می‌نماید و نه اختیارات و اقتدارات دیگر حکومتی. بنابراین می‌توان گفت توقیع شریف در نزد شهید صدر اگر صحیح السند هم باشد بر ولایت مطلقه فقیه دلالت نمی‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

از این روست که شهید صدر (ره) ولایت مرجع و نیابت عامه امام عصر (عج) را به مفهوم سرپرستی بر تطبیق احکام اسلام و نظارت بر اجرای شریعت می‌گیرد (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۲۴ و ۱۶۲ - ۱۶۰).

نظریه دولت مطلوب در اندیشه شهید صدر، حکومت شورایی می‌باشد که بر اساس خلافت عمومی انسان و گواهی گواهان استنباط تشکیل می‌گردد که در عصر غیبت با نظارت مرجع فقیه تکمیل می‌شود به تعبیری حکومت در زمان غیبت به حکومت مردمی یا نظام مردمسالار با نظارت مرجع صالح و رشید مردم تشکیل می‌شود (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۲).

در نظرگاه شهید صدر، اگر واژه ولایت در مورد مرجع عام استعمال می‌گردد به مفهوم و معنای نظارت (گواهی و شهادت) است و به معنای حکومت به مفهوم رایج آن یعنی اعمال قدرت نمی‌باشد. ایشان این مساله را صریحاً در آثار خود بازگو کرده است (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۲) لذا اگر شهید صدر در بعضی آثار خود واژه ولایت را به مفهوم رهبری و حکمرانی در مورد مرجع فقیه بکار می‌برد ناظر بر ولایت در اموری چون قضا و افتاء می‌باشد (صدر، ۱۴۲۳ (الف): ۱۲۶). مضاف بر این در اندیشه وی برقراری حکومت از وظایف و تکالیف و مسئولیت‌های امت بشمار می‌رود به همین سبب مرجع ناظر را نیز مردم میان فقهای واجد شرایط انتخاب می‌نمایند و باید توجه داشت که مرجع عام به نیابت از مردم یا به وکالت از آنان حکومت نمی‌کند (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۲).

زمینه‌های اجتماعی و زبانی حاکم بر عصر نگارش اندیشه سیاسی شهید صدر

شهید صدر، پس از رحلت آیت الله سید محسن حکیم، به جهت خواست علمای شهرستان‌ها و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی، مرجعیت مسلمانان عراق را به عهده گرفت و به همین منظور دفتری تأسیس نمود. مرجعیت شهید صدر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران همزمان بود. او از نخستین علمایی بود که با

تمام جد و جهد از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی و حمایت می‌کرد. ایشان با تمام قدرت به انقلاب اسلامی ایران کمک می‌کرد بدین جهت در نامه‌ای که به شاگردان خود در ایران نوشته بود، با صراحت تمام بر این مطلب توصیه و تأکید نموده بود.

در واقع تفقه سیاسی شهید صدر قرین فروپاشی گفتمان مشروطه در ایران بود، وی در این فضا شروع به تألیف مجموعه‌ای بر پایه تفکر و اندیشه اسلامی نمود که یکی از نمونه‌های گویای آن پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که توجه فقهای مجلس خبرگان قانون اساسی را به خود جلب کرد در عین حال شهید صدر فقیه را دارای ولایت مطلقه نمی‌دانست (صدر، (ب) ۱۴۲۳: ۲۵۷؛ ۱۴۲۱ (ب): ۱۵۹؛ ۱۴۲۱ (ب): ۱۶۰ - ۱۶۲). باید توجه داشت که شهید صدر در حوزه نجف در کنار اساتیدی چون آیت الله خویی قرار دارد و خود مدتی از شاگردان حلقه اول و عضو شورای افتای آیت الله خویی بشمار می‌رفت (عنایتی راد، ۱۳۷۶: ۱۷۰). در مکتب فقهی آیت الله خویی، فقیه در یک فرآیند تفقه ریاضی‌گونه احادیث دال بر یک موضوع را بصورت تک به تک و جدا از هم مورد تحلیل و بررسی قرار داده و به سنجش و ارزش‌گذاری گزاره‌ها می‌پردازد (شب‌زنده‌دار، ۱۳۹۰: ۲۰۷؛ محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۰). در این مکتب، حدیث به دو بخش کلی صحیح و ضعیف تقسیم می‌شود: حدیث صحیح ارزشمند و حدیث ضعیف از درجه اعتبار صفر برخوردار است. بر این اساس فقهای مکتب آیت الله خویی، احادیث دال بر ولایت فقیه را بصورت تک‌تک مورد بررسی قرار داده و از آنجا که هر حدیث یا از جنبه سندی و یا از جنبه دلالتی مورد مناقشه و خدشه قرار می‌گیرد، لذا تضعیف شده و از ارزش صفر برخوردار می‌گردد و از حاصل جمع تمامی آنها نیز نتیجه‌ای جز صفر حاصل نمی‌گردد (نوری همدانی، ۱۳۷۳: ۲۲۵). آیت الله خویی در یک بحث فقهی، در عموم سند و دلالت روایات مربوط به ولایت فقیه مناقشه می‌کند (خویی، ۱۴۱۸: ۴۱۹). ایشان روایات دال بر ولایت فقیه را از اثبات مراد

قاصر اعلام کرده (خویی، ۱۴۱۸: ۴۱۹) و عموماً اسناد آنها را تضعیف می‌نماید (خویی، ۱۴۱۸: ۴۱۹). ایشان برخی از روایات را از منظر سندی مورد نقد قرار داده و برخی را از منظر دلالتی مورد مناقشه قرار می‌دهد. بر این اساس است که به هنگام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مبحث ولایت فقیه می‌نویسد: «اخبار و روایت‌هایی که برای اثبات ولایت مطلقه فقیه بر آنها استناد شده است از نظر سند و دلالت از اثبات مراد قاصر می‌باشند»^۱ (خویی، ۱۴۱۸: ۴۱۹). باید توجه کرد این مساله بصورت سلبی سبب گردیده شهید صدر در فضای غیرروایی، با مبانی عقلی به تصویر هندسه معرفت سیاسی خود پردازد.

ماهیت‌شناسی دولت شورایی در هندسه معرفت سیاسی شهید صدر

باید توجه داشت که شهید صدر (ره) حاکمیت بر روی زمین را بالاصاله از آن انسان به عنوان خلیفه خداوند می‌داند. بدین‌رو است که وی اصلی را با عنوان خلافت عمومی انسان‌ها ترسیم می‌نماید که اصل دیگری با عنوان گواهی پیامبران آن را همراهی می‌نماید. از نظرگاه شهید صدر، حاکمیت پیش از هر چیز، یک حق طبیعی است که از علقه و علاقه ذاتی مالک نسبت به مملوک ناشی می‌شود. از آنجا که خداوند متعال مالک تمامی هستی از جمله بشر و اجتماع می‌باشد لذا حاکمیت حقیقی از آن خداوند است. بدین جهت است که حاکمیت انسان، حقی است که از طرف خداوند به افراد انسانی واگذار شده تا بر مبنای آن، انسان سرنوشت جمعی و اجتماعی خود را رقم زند؛ شهید صدر معتقد است این حق بر اساس اصل استخلاف و استئمام به انسان اعطا شده است (صدر، ۱۴۲۱ (ب): ۱۳۰ و ۱۲۸).

وی در تبیین اصل استخلاف بیان می‌دارد که در مرحله اول زندگی بشر، حاکمیت انسانی بر روی زمین به صورت خلافت انسان و استخلاف بود که

۱. أن الاخبار المستدل بها علی الولاية المطلقة قاصرة السند أو الدلالة.

ایشان از آن به دوران وحدت اولیه یاد می‌کند (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۴۵). شهید صدر بیان می‌کند که بعد از گذشت زمان از زندگی بشر، دوران تفرقه و اختلاف انسان‌ها پدید می‌آید که این سبب ارسال رُسل و انبیا از جانب خداوند می‌شود. در این دوره، به دلیل عصمت پیامبران دو خط خلافت انسان و نظارت، با هم انطباق می‌یابند (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۴۸). نظر به اینکه شهید صدر ولایت زعامت را برای فقیه نمی‌پذیرد معتقد است در عصر غیبت، مجدداً «خلافت انسان» تحقق می‌یابد و انسان‌ها به ادارهٔ سرنوشت خود و جامعهٔ خود می‌پردازند و گواهی انبیا و خط نظارت توسط «فقیه صالح و رشید» در کنار حاکمیت انسان، مطرح می‌گردد (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۵۹). وی از خلافت عمومی انسان که ولایت اعطایی خداوند به بشر است با عنوان جعل تکوینی نام می‌برد که جعل و عرضهٔ خلافت عمومی بر بشر، جنبهٔ تکوینی داشته است نه جنبه اکتسابی و یا تشریحی. تکوینی بودن خلافت انسان در نظام معرفتی شهید صدر (ره) سبب شکل‌گیری هندسه ویژه‌ای در معرفت سیاسی وی می‌شود. در نظام سیاسی که در هندسه معرفتی وی شکل گرفته است، انسان بالذات شرایط لازم استخلاف را دارا می‌شود. بدین جهت بطور ذاتی و طبیعی حق حاکمیت به او به صورت امانت عمومی واگذار می‌گردد (صدر، ۱۴۲۱(الف): ۱۱۱).

از نظرگاه شهید صدر، این امانت که موجب برقراری رابطه او با اجتماع می‌شود همان امانتی است که آسمان و زمین از پذیرش آن امتناع کردند (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۲۸؛ صدر، ۱۴۲۱(الف): ۱۱۱). بر اساس این امانت عمومی که جعل و عرضه حق حاکمیت که در قالب استخلاف به انسان امانت داده می‌شود یک سنت اجتماعی - سیاسی است، نه یک تشریح و قانونگذاری (صدر، ۱۴۲۱(الف): ۱۱۱ و ۱۱۳). از آنجا که استخلاف امری تکوینی می‌باشد بدین جهت شهید صدر نتیجه می‌گیرد که انسان به صورت کلی یعنی جنس انسان پذیرای امانت خلیفه الهی شده است (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۲۷). لذا استخلاف امری همگانی و عمومی می‌باشد که اعضای انسانی یک جامعه

بصورت شورایی به اعمال استخلاف و حق حاکمیت خود می‌پردازند لذا مشروعیت حکومت در دوره غیبت از جانب مردم به حکومت داده می‌شود (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۶۱). شهید صدر اصل شورا را مبین این حق دانسته (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۵۴) در توضیح این مساله می‌نویسد علت آنکه خداوند متعال حضرت پیامبر را با وجود مقام عصمت رسول گرامی اسلام، مطابق آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)، ایشان را در امور مربوط به سیاست و اجتماع موظف و مامور به مشورت با مردم می‌نماید به سبب اشعار به این حق است (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۵۴). مطابق اصل خلافت عمومی انسان‌ها شهید صدر معتقد است آیات مربوط به شورا نشان دهنده آن است که حق حاکمیت متعلق به مردم است که عموم انسان‌ها با تشکیل دولت شورایی این حق را اعمال می‌نمایند (صدر، ۱۴۲۱(ب): ۱۵۴).

با تامل در اندیشه شهید صدر چنین بدست می‌آید که دولت شورایی در اندیشه شهید صدر ماهیت بالاصاله دارد که در نظام سیاسی که در هندسه معرفتی او شکل می‌گیرد. شورا از ذاتیات آن نظام است نه از عرضیات و کارویژه دولت شورایی در اندیشه شهید صدر، تحقق حق همگانی انسان‌ها در راستای خلافت عمومی برای اعمال حق حاکمیتی است که تک‌تک انسان‌ها از آن برخوردار می‌باشند.

در واقع شهید صدر، شورا را یکی از پایه‌ها و مبانی خلافت انسان معرفی می‌کند که این نوع نگرش به ماهیت شورا نتایج اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای در تاسیس نظام اسلامی و مولفه مشارکت عمومی در اداره نظام سیاسی در پی دارد.

تحلیل و بررسی مقایسه‌ای

با تحلیل و بررسی اندیشه سیاسی میرزای نائینی و شهید صدر و ترسیم هندسه معرفت سیاسی هر یک از این دو اندیشمند، بر خلاف آنچه که مشهور نسبت به یکسان‌نگاری دولت شورایی در آرای این دو اندیشمند می‌پندارند؛ دولت شورایی از ماهیت و کارویژه متفاوتی در هندسه معرفت سیاسی هر یک از این

دو متفکر برخوردار است.

مطابق روش اسکینر در فهم زمینه‌های اجتماعی و تاریخی حاکم در عصر و اندیشه نائینی، در هندسه معرفتی میرزای نائینی، حاکمیت از آن امام معصوم (ع) است که در عصر غیبت فقیه جامع الشرایط عهده‌دار این مهم می‌شود. به چند دلیل نائینی در عصر خود اعمال این حق توسط فقیه را غیرممکن می‌داند. اولاً وی این حق را از طرف سلطان، مغضوب و ازاله این غضب را غیرممکن تلقی می‌نماید، بدین جهت در راستای تحدید این غضب اصل شورا را مطرح می‌کند. شورا مجمع نمایندگان مردم می‌باشد، مردم به سبب حق شورویت از این حق بهره‌مند می‌گردند. بنابراین اندیشه حاکمیت از آن مردم نیست، بلکه مردم تنها از حق ارائه مشورت به حاکم برخوردار می‌باشند. اما در نظرگاه شهید صدر، دولت شورایی بر اساس حق همگانی مردم بر مبنای خلافت عمومی انسان‌ها تشکیل می‌شود و شورا محقق اصل خلافت عمومی انسان‌هاست.

بر خلاف نائینی که حاکمیت را حق مردم نمی‌داند - مشورت را حق مردم می‌داند - شهید صدر حاکمیت را حق مردم می‌داند. این دو نکته تفاوت ماهوی با یکدیگر دارند. لذا موجب حصول ماهیت مختلفی از دولت شورایی در اندیشه نائینی و شهید صدر می‌شود. شورا در اندیشه نائینی ماهیت مشورتی دارد که با اعمال قانون و نظارت بر اجرای آن، به دنبال تحدید نهاد حاکمیت است. اما دولت شورایی در اندیشه شهید صدر تحقق آفرین حق حاکمیت همگانی انسان‌ها می‌باشد که انسان‌ها با تشکیل نظام شورایی حق حاکمیت خود را اعمال می‌نمایند. در واقع دولت شورایی شهید صدر محدود در مجلس قانونگذاری نیست و فراتر از آن حق تعیین حاکم را نیز شامل می‌گردد. این در حالی است که ماهیت دولت شورایی در اندیشه میرزای نائینی نسبت به مجری قانون یا نهاد حاکم، ساکت و علاوه بر آن گرفتار پیش‌فرض حضور حاکمیت غصبانی شاه قاجار است. اعمال حق حاکمیت در نظر شهید صدر شامل همه ارکان دولت است و دولت شورایی، محقق حق حاکمیت انسان هم در عرصه

قانونگذاری و هم در عرصه اعمال قانون می‌باشد.

بدیهی است شهید صدر در فضای جمهوری خواهی انقلاب‌های مردمی علیه نظام سلطنتی و جریان انقلاب اسلامی به اعمال نظر پرداخته و به اندیشه‌ورزی می‌پردازد. اما میرزای نائینی متأثر از انقلاب مشروطه بوده و در فضای گفتمان تحدید سلطنت سخن می‌گوید بدین جهت اگر نظریه نائینی را فارغ از شرایط زمانه خودش مورد تحلیل قرار دهیم، معلوم می‌گردد که این دیدگاه بیشتر جنبه عارضی داشته است و وی امکان نظارت بر فقیه را غیر مقدور می‌داند در حالی که تشکیل مجلس خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی بطلانی است بر فرض عدم امکان نظارت بر فقیه (مجیدی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). اگر در روش‌شناسی فقاهتی میرزای نائینی نگریسته شود می‌توان به این نتیجه رسید که علت خودداری میرزای نائینی از طرح حکومت اسلامی بطور مستقیم توسط فقیه جامع الشرایط، علاوه بر شرایط زمانه وی، عدم باورمندی یقینی ایشان در اثبات ولایت عامه برای فقیه است. همانگونه که در تبیین هندسه معرفت سیاسی نائینی بیان گردید ایشان از میان طیف زیادی از احادیث دال بر اثبات ولایت عامه فقیه دلالت اکثر ادله مثبت ولایت فقیه را مخدوش و غیر واضح می‌شمارد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۳) و تنها به روایت عمر بن حنظله اکتفا می‌کند و از نظر میرزا این روایت نیز از لحاظ سندی مخدوش است، این قراین و شواهد نشان می‌دهد که میرزا بطور یقینی به تاسیس حکومت توسط فقیه معتقد نمی‌گردد. بدین جهت شالوده و مبانی دولت اسلامی مورد نظر خود را در کتاب تبییه الامه و تنزیه المله بر مبنای ولایت حسب طرح‌ریزی می‌کند و کارکرد فقیه را در نظارت بر قوانین موضوعه مجلس محدود می‌نماید (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۳۸ - ۳۳۷). به تعبیر خود نائینی، در امورات نوعیه که مرتبط به امور اداری و سیاسی جامعه اسلامی می‌باشد، مردم حق شور و مشورت با حاکم را پیدا می‌کنند و در قالب قانونگذاری به اعمال این حق می‌پردازند که به سبب عدم تعارض این امر با احکام شرعی، این قانونگذاری در دامنه غیر منصوصات

صورت می‌گیرد و از آن جا که ممکن است با فتوای مجتهد جامع شرایط در دامنه حوادث واقعه مخالفت کند این قانونگذاری با نظارت مجتهد صورت می‌گیرد.

اما شهید صدر اگرچه حاکمیت را از آن امام معصوم (ع) می‌داند اما در عصر غیبت به خاطر عدم حضور امام معصوم (ع) نحوه شکل‌گیری دولت اسلامی را در تحقق حق همگانی مردم بر اساس اصل خلافت عمومی انسان‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس شهید صدر برخلاف بسیاری از فقیهان صاحب نظر در عرصه اندیشه سیاسی، نقش مردم را در عصر غیبت در مشروعیت‌بخشی به دولت اسلامی معرفی می‌کند.

فراتر از شرایط تاریخی و اجتماعی حاکم بر عصر این دو اندیشمند اسلامی با مبنا قرار دادن روش اسکینر در فهم زمینه‌های زبانی و نگارشی، میرزای نائینی و شهید صدر هر دو در حوزه نجف قرار گرفته و مطابق زمینه‌های زبانی و نگارشی حاکم بر حوزه نجف به تحلیل و بررسی روایات مربوط به ولایت فقیه پرداخته‌اند و شهید صدر هم در حوزه نظر و عمل و نائینی در عمل ماهیت دولت را مبتنی بر ولایت عامه فقیه تاسیس نمی‌کنند اما هر دو اندیشمند در طرح‌ریزی دولت شورایی مورد نظر خود نظارت مرجع جامع شرایط را جزئی از ارکان دولت قرار می‌دهند.

نقطه عزیمت نظریه صدر در دولت شورایی نسبت به دیدگاه نائینی در همین مساله است؛ با وجود آنکه هر دو فقیه با فرض عدم ولایت عامه فقیه به طراحی دولت اسلامی با اصل شورا می‌پردازند دولت شورایی مورد نظر شهید صدر تفاوت ماهوی با دولت شورایی نائینی پیدا می‌کند.

شهید صدر بر مبنای حاکمیت انسان‌ها بر سرنوشت اجتماعی خود، در یک بحث تفسیری بر اساس اصل خلافت عمومی انسان، حاکمیت را حق انسان می‌داند که این حق منافاتی با حق حاکمیت الهی ندارد. چرا که خداوند آن را بصورت تکوینی به انسان اعطا کرده است و انسان به عنوان امین آن را پذیرفته و در

راستای حفظ این امانت و محافظت از آن ناظری الهی بر این امانتداری انسان همواره نظارت می‌نماید که در عصر غیبت فقیه صالح و رشید بر این امر عهده‌دار می‌شود.

نقطه قوت نظریه شهید صدر در ماهیت‌شناسی دولت شورایی در مقابل اندیشه میرزای نائینی، در همین نکته است؛ با وجود آنکه میرزا حاکمیت مشروع را از جانب سلطان مغضوب می‌داند، بر اساس اصل شوریت، دولت شورایی مورد نظر خود را بگونه‌ای طراحی نمی‌کند که از شکل حکومتی فراتر رود. بدین جهت مردم از حق حاکمیت برخوردار نمی‌شوند. در واقع دولت شورایی مورد نظر وی تفاوتی شکلی با نظریه حاکم پیدا کرده و تنها ماهیت عرضی و شکلی دارد و برای اصلاح اعمال حاکمیت مغضوب بکار می‌رود. اما دولت شورایی مورد نظر شهید صدر با طراحی اصل خلافت عمومی انسان‌ها در راستای اصلاح ماهوی حاکمیت طرح شده است و با وجود آنکه ولایت عامه فقیه را در بر نگرفته است اما در راستای اصلاح ماهوی دولت، ضمن پذیرش نظارت مرجع صالح و رشید، اصل شورا را محقق حق همگانی مردم و اصلی مشروعیت‌بخش به دولت می‌داند.

نتیجه‌گیری

این مقاله با روش پژوهش مقایسه‌ای به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها به تحلیل و بررسی اندیشه و اسناد جمع‌آوری شده از آثار میرزای نائینی و شهید صدر پرداخته و در فهم اندیشه سیاسی این دو متفکر اسلامی از ایده نظری هرمنوتیک اسکینر الگوبرداری شده است. یافته‌های تحقیق با توجه به سؤال «آیا دولت شورایی مطرح در اندیشه شهید صدر با دولت شورایی مطرح در اندیشه میرزای نائینی تفاوت و تغایر ماهوی دارد؟» بر چند نکته تاکید دارد که ضمن تشریح در متن ذیل بصورت مقایسه‌ای در جدول می‌آید.

***حق حاکمیت:** در اندیشه نائینی؛ حاکمیت از آن امام معصوم (ع) است که در

عصر غیبت فقیه جامع الشرایط عهده‌دار این مهم می‌شود اما در اندیشه شهید صدر حق حاکمیت در عصر حضور امام معصوم با توجه به اینکه معصوم از شایستگی و اولویت برخوردار است حکومت و ولایت در وی تشخیص پیدا می‌کند و در عصر غیبت که عصر فقدان تحقق امامت منصوب می‌باشد، حق حاکمیت از آن مردم است که بصورت شورایی اقامه می‌شود؛

***ماهیت شورا:** شورائی که در اندیشه نائینی است تنها تفاوت شکلی در دولت ایجاد می‌کند و از عرضیات حکومت است نه ذاتی آن، بدین جهت از مقومات ماهیتی دولت محسوب نمی‌گردد اما شورا در دیدگاه شهید صدر ذاتی دولت بوده و محقق حق حاکمیت و اصل مشروعیت بخش است؛

***کارویژه شورا:** شورا در دیدگاه نائینی بر اساس حق شوروریت مردم، قانونگذاری و نظارت در امورات نوعیه را دارا است لذا محدود و مشروط کننده نظام سلطنتی است اما در اندیشه شهید صدر تحقق آفرین حق همگانی مردم می‌باشد که بصورت مشارکت عمومی در شکل جمهوری به تشکیل دولت می‌پردازد؛

***نقش مردم:** در اندیشه میرزا نقش مردم ارائه شور به حاکم بر اساس اصل شورا و بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر نظارت بر رفتار حاکم است اما در اندیشه شهید صدر نقش مردم مشروعیت بخشی به دولت، مشارکت در اداره دولت، تحقق امر به معروف و نهی از منکر و انتخاب مرجع صالح و رشید جهت نظارت بر اصل خلافت عمومی انسان‌هاست؛

***نقش فقیه:** میرزای نائینی و شهید صدر هر دو نظارت فقیه را از ارکان دولت شورایی مورد نظر خود مطرح می‌نمایند. نظارت فقیه در اندیشه نائینی بر قانونگذاری مجلس در دامنه غیر منصوصات و اذن به قانونگذاری بر اساس ولایت عامه در دامنه منصوصات است اما نظارت فقیه در اندیشه صدر نظارت برای حفظ امانت خلافت عمومی انسان و نظارت بر قانونگذاری به سبب ولایت

افتا و تبلیغ اسلام در دامنه منطقه الفراغ می‌باشد؛

❖ ماهیت و نوع دولت شورایی: دولت شورایی مورد نظر شهید صدر با دولت شورایی مد نظر میرزای نائینی تفاوت ماهوی با یگدیگر دارند. دولت شورایی مورد نظر شهید صدر از نوع الهی با حق حاکمیت مردم است لذا در ردیف دولت‌های مشارکتی محسوب می‌شود و محقق حق حاکمیت مردم هم در جنبه قانونگذاری هم در جنبه اعمال و اجرای قانون است اما دولت شورایی مورد نظر نائینی از نوع الهی است و در هر دو نوع الهی و غیرالهی، حق برای مردم در حاکمیت و مشروعیت قائل نیست و صرفاً محدود کننده نظام در عرصه قانونگذاری می‌باشد.

ردیف	مسائل	میرزای نائینی	شهید صدر
۱	حق حاکمیت	حاکمیت از آن امام معصوم (ع) است که در عصر غیبت فقیه جامع الشرایط عهده‌دار این مهم می‌شود	در عصر حضور امام معصوم با توجه به اینکه معصوم از شایستگی و اولویت برخوردار است حکومت و ولایت در وی تشخص پیدا می‌کند اما در عصر غیبت که عصر فقدان تحقق امامت منصوص می‌باشد، حق حاکمیت از آن مردم است که بصورت شورایی اقامه می‌شود
۲	ماهیت شورا	عرضی است و فقط موجب تغییر در شکل دولت می‌شود نه در ماهیت آن	ذاتی و از مقومات دولت است
۳	کارویژه شورا	تحدید غضب، قانونگذاری در دامنه غیر منصوص	تحقق آفرین حق همگانی مردم می‌باشد که بصورت مشارکت عمومی در شکل جمهوری به تشکیل دولت می‌پردازد
۴	نقش مردم	ارائه شور به حاکم بر اساس اصل شورا و نظارت بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر	مشروعیت بخش به دولت، مشارکت در اداره دولت، تحقق امر به معروف و نظارت عمومی
۵	نقش فقیه	ضمن دارا بودن حق حاکمیت، اذن به قانونگذاری و نظارت بر قوانین به سبب حق ولایت عامه	نظارت بر حفظ امامت استخلاف و نظارت بر قانونگذاری به سبب ولایت افتاء و تبلیغ اسلام

۲۴۴ فصلنامه دولت پژوهی

شهاد صدر	ميرزای نائینی	مسائل	ردیف
محقق حق حاکمیت مردم هم در جنبه قانونگذاری هم در جنبه اعمال و اجرای قانون	محدود و مشروط کننده نظام سلطنتی	ماهیت دولت شورایی	۶
الهی - مردمی	الهی (مغضوب توسط سلطان قاجار)	نوع دولت	۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

آشوری، داریوش، (۱۳۹۱)، *دانشنامه سیاسی*، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات مروارید.

اسکینر، کونتینی، (۱۳۷۵)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
جعفریان، رسول، (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، جلد ۳، چاپ اول، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۷۷)، *اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمد باقر صدر*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

دورکیم، امیل، (۱۳۷۳)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، مترجم علیمحمد کاردان، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.

رجب زاده، احمد، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی توسعه بررسی مقایسه‌ای - تاریخی ایران و ژاپن*، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ریگین، چارلز، (۱۳۸۸)، *روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه.

طالبان محمد رضا، (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

فیرحی، داود، (۱۳۹۵)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.

کفایی خراسانی، عبدالرضا، (۱۳۹۰)، *زندگینامه، کنگره آخوند خراسانی*، جلد ۱، چاپ اول قم: دبیرخانه علمی کنگره.

لمبتون، آن. کی. اس، (۱۳۸۵)، *دولت و حکومت در اسلام*، ترجمه محمد مهدی فقیهی، تهران: شفیعی.

مجیدی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: نشر

معار.

هیوود، اندرو، (۱۳۹۲)، سیاست، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

ب) عربی

ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، (۱۴۱۰)، الأقطاب الفقهیة علی مذهب الإمامیة، در یک جلد، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).

ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، قم: موسسه آل البيت.

اربلی علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط - القدیمة)، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.

بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۱۶ هـ ق الف)، البدر الزاهر فی صلاه الجمعه و المسافر، مقرر آیه الله شیخ حسین منتظری، قم: دفتر حضرت آیه الله.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت.

حکیم، سید محمد باقر، (۱۴۰۸)، النظریه السیاسیه عند الشهد صدر، تهران: دفتر آیت ا... محمد باقر حکیم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت - دمشق، الدار الشامیه.

شیخ طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه (للطوسی)، کتاب الغیبه للحجه، چاپ اول، قم: موسسه معارف اسلامی.

شیخ طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطالعه مقایسه‌ای ماهیت‌شناسی دولت شورایی و... ۲۴۷

صدر سید محمد باقر، (۱۴۲۳ه. الف)، *الفتاوی الواضحة* (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۶)، ۱ جلد، چاپ الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۳ه. ب) *ومضات* (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۷)، ۱ جلد، چاپ الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ه. الف)، *المدرسة القرآنية* (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۹)، چاپ الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ه. ب)، *الإسلام يقود الحياة* (موسوعة الشهيد الصدر ج ۵)، چاپ الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

طبرسی امین الإسلام، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی* (ط - الحديثة)، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الاحتجاج علی أهل اللجاج* (للطبرسی)، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.

طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ ق)، *الخرائج والجرائح*، چاپ اول، قم: موسسه امام مهدی.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار* (ط - بیروت)، چاپ دوم، بیروت: موسسه الطبع و النشر.

نائینی، میرزا محمد حسین غروی، (۱۴۱۳ ه. ق)، *المکاسب والبیع* (للمیرزا النائینی)، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. اول،

نائینی، میرزا محمد حسین غروی، (۱۴۲۴ ه. ق)، *تنبيه الأمة و تنزيه الملة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. اول،

نعمانی، الشیخ محمدرضا، (۱۴۲۴ ه. ق)، *شہید الأمة و شاهدها*، ج ۱، چاپ الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

مقاله‌ها

- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، «مفهوم و چیستی حکومت در اندیشه سیاسی شهید صدر (ره)»، مجله سیاست، شماره ۷.
- جیمز، تولی و غلامرضا بهروزلک، (۱۳۸۳)، «روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸.
- شب زنده دار، (۱۳۹۰)، «گفتگوی با موضوع نگاهی به مکاتب اجتهادی نجف و قم»، مجله فقه، شماره ۶۷.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۸)، «تحولات اجتهاد شیعی، سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها»، تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان، شماره ۴۹.
- نوری همدانی، (۱۳۷۳)، «روش اجتهادی فقهاء»، مجله نقد و نظر، زمستان، شماره ۱.

